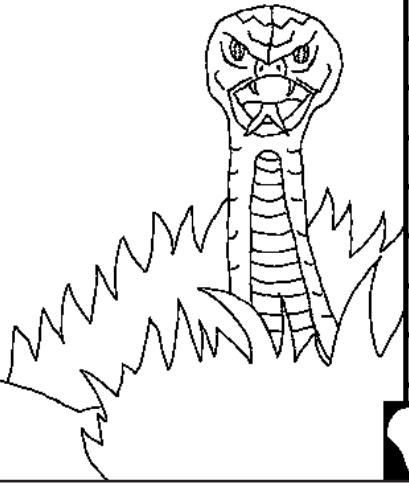


کتاب مقدس برای کودکان تقدیم می‌کند

شروع غم انسان



مترجم Nahid Sepehri

بازگویی از M. Maillot; Tammy S.

نویسنده Edward Hughes

طراحی تصاویر Byron Unger; Lazarus

داستان 2 از 60

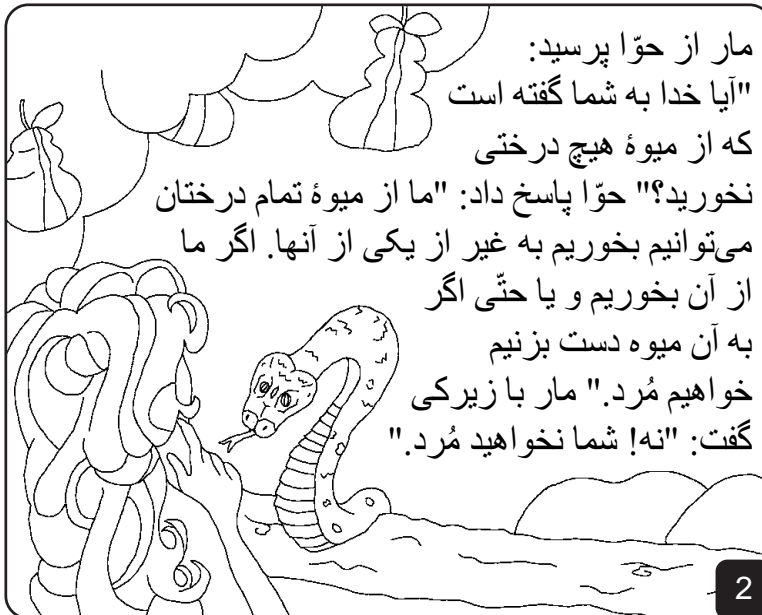
www.M1914.org

Bible for Children, PO Box 3, Winnipeg, MB R3C 2G1 Canada

حق چاپ: شما اجازه دارید که این داستان‌ها را کپی و یا چاپ نمایید به شرط آن که رایگان توزیع شود.

فارسی

Persian



بعد از این که حوّا از خدا ناطاعتی کرد، به شوهر خود نیز از آن میوه داد. آدم نباید می‌پذیرفت بلکه باید می‌گفت: "نه! من از فرمان خدا سرپیچی نخواهم کرد."



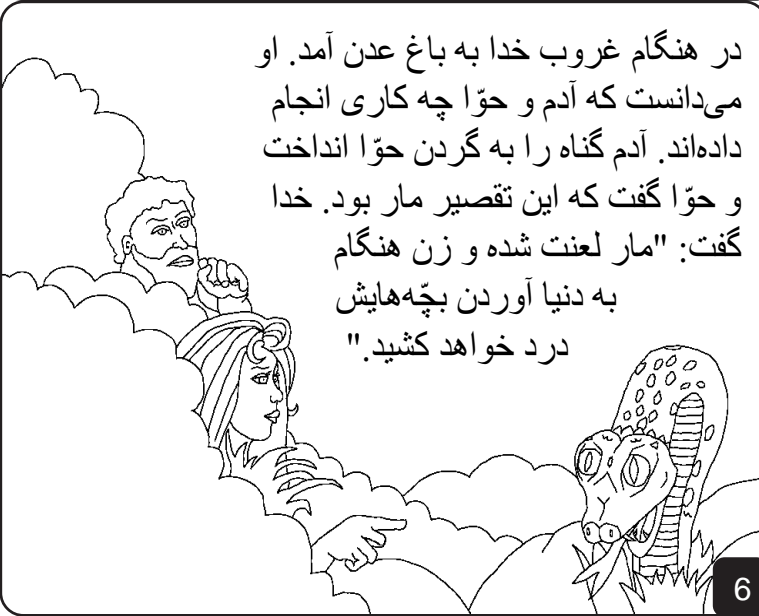
4

"شما مانند خدا خواهید شد." حوّا دلش می‌خواست از میوه آن درخت بخورد و چنین نیز کرد.



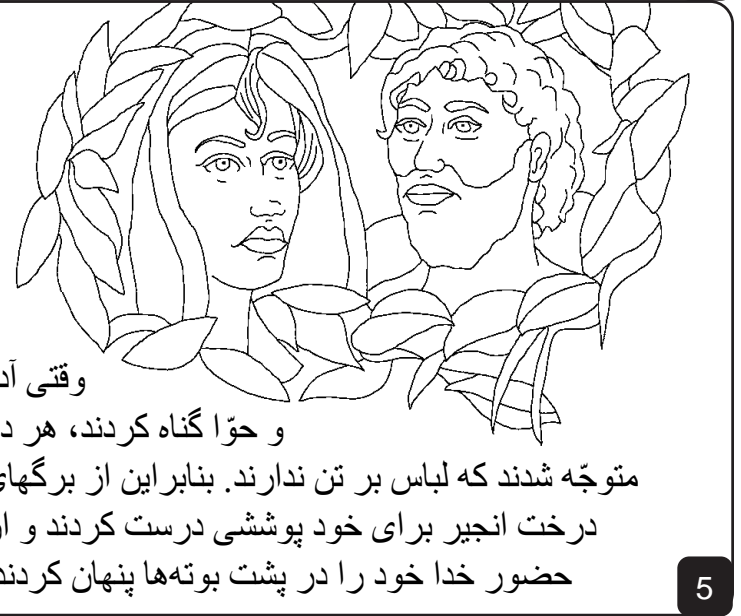
3

در هنگام غروب خدا به باغ عدن آمد. او می‌دانست که آدم و حوّا چه کاری انجام داده‌اند. آدم گناه را به گردن حوّا انداخت و حوّا گفت که این تقصیر مار بود. خدا گفت: "مار لعنت شده و زن هنگام به دنیا آوردن بچه‌هایش درد خواهد کشید."



6

وقتی آدم و حوّا گناه کردند، هر دو متوجه شدند که لباس بر تن ندارند. بنابراین از برگهای درخت انجیر برای خود پوششی درست کردند و از حضور خدا خود را در پشت بوته‌ها پنهان کردند.



5

"آدم به خاطر گناه تو زمین لعنت شده است و از این پس خاک و خاشاک خواهد رویانید. تو با زحمت و عرق ریختن نان روزانهات را به دست خواهی آورد."



8

خدا آدم و حوّا را از باغ زیبایی عدن بیرون کرد. زیرا آنها گناه کرده بودند. آنها از زندگی‌ای که خدا به آنها بخشیده بود، جدا شدند.

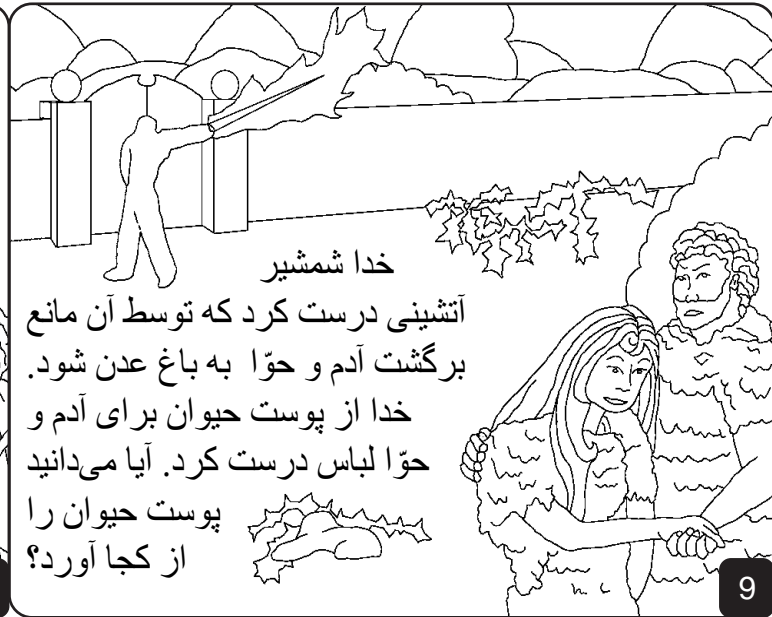


7

بعد از مدتی فرزندی برای آدم و حوا به دنیا آمدند. اولین پسر آنها قائن نام داشت و او کشاورز بود و پسر دوم آنها هابیل چوپان بود.



10



خدا شمشیر

آتشینی درست کرد که توسط آن مانع برگشت آدم و حوا به باغ عدن شود. خدا از پوست حیوان برای آدم و حوا لباس درست کرد. آیا می‌دانید پوست حیوان را از کجا آورد؟

9

اما خدا از قربانی قائن خوشش نیامد. به همین دلیل قائن بسیار خشمگین شد. اما خدا به او گفت: "اگر آنچه را که درست است انجام دهی، آیا پذیرفته نخواهی شد؟"



12

روزی قائن مقداری از سبزیجات زمینش را برای خدا به عنوان قربانی آورد و هابیل چند تا از بهترین گوسفندانش را برای خدا به عنوان قربانی هدیه کرد. خدا از قربانی هابیل خوش آمد.



11

خدا از قائن پرسید: "برادرت هابیل کجاست؟" قائن جواب داد: "مگر من نگهبان برادرم هستم؟" خدا قائن را تنبیه کرد به طوری که او دیگر نمی‌توانست کشاورزی کند و به این ترتیب در جهان پریشان و آواره شد.



14

خشم قائن از بین نرفت. بعد از مدتی در اثر آن خشم، قائن در مزرعه به برادر خود حمله کرد و او را کشت.



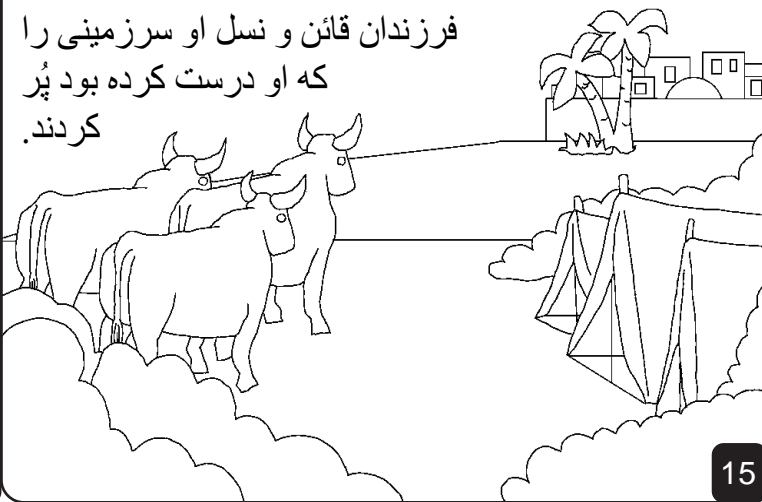
13

در همین هنگام خانواده آدم و حوا نیز به سرعت رشد می‌کرد. در آن زمان‌ها عمر انسان‌ها طولانی‌تر از امروز بود.



16

قائن از حضور خدا فرار کرد. سپس ازدواج کرد و خانواده‌ای برای خود تشکیل داد. بزودی فرزندان قائن و نسل او سرزمینی را که او درست کرده بود پُر کردند.



15

هر نسل جدید از نسل‌های پیش شریک‌تر می‌شد تا این که بالاخره خدا تصمیم گرفت تمام بشر را از بین ببرد ...



18

وقتی پسر آنها یعنی شیث به دنیا آمد حوا گفت: "خدا شیث را به من داد تا جایگزین هابیل شود." شیث مرد مؤمنی بود که ۹۱۲ سال زندگی کرد و فرزندان زیادی داشت.



17

نام او نوح بود. نوح از نسل شیث بود، او عادل و پرهیزکار بود و با خدا راه می‌رفت.



20

... حتی تمام جانوران و پرندگان را. خدا از این که انسان را آفریده بود پشیمان شده بود، اما یک نفر بود که خدا از او راضی بود.



19

شروع غم انسان
داستانی از کلام خدا، یعنی کتاب مقدس

بر اساس

پیدایش ۳-۶

"کشف کلام تو نور می‌بخشد."
مزمور ۱۱۹: ۱۳۰



21

خدا می‌داند که ما کارهای بدی انجام داده‌ایم کارهایی که او آنها را گناه می‌خواند. مجازات گناه مرگ است.

خدا جهانیان را آن قدر محبت نمود که پسر یگانه خود را فرستاد تا با مرگش بر روی صلیب مجازات گناه ما را بپردازد. عیسی پس از مرگ دوباره زنده شد و به آسمان بالا رفت. به این وسیله خدا اکنون می‌تواند گناهان ما را ببخشد.

اگر می‌خواهی از گناهان خود توبه کنی، این دعا را نزد خدا بکن: خداوندا من ایمان دارم که عیسی برای گناهان من مُرد و اکنون دوباره زنده است. خواهش می‌کنم وارد زندگی من بشو و گناهان مرا ببخش تا بتوانم زندگی تازه‌ای داشته باشم و برای همیشه با تو باشم. کمک کن تا به عنوان فرزند تو برای تو زندگی کنم. آمین.

کتاب مقدس را هر روز بخوان و همیشه دعا کن!